

اخبار و گزارش های کارگری 22 مهرماه 1405

- از سرگیری اعتراض جمعی از جوانان متقاضی کار شهر حر با برپایی تجمع مقابل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی خوزستان در اهواز

- یادبود محمدمهدی سالاری در جشن فارغ التحصیلی دانشگاه فردوسی مشهد

- از دانشجویان اخراجی بگو!

- بیانیه کانون فرهنگیان اسلامشهر خطاب به آقایان _مسعود_ فرهیخته و ##زرتشت_ احمدی_ راغب برای پایان دادن به اعتصاب غذا

- علی سینا مصطفوی را در کرمان اعدام کردند

- صدور دوباره حکم اعدام برای وریشه مرادی در شعبه 15 دادگاه انقلاب تهران

- فیش های حقوقی را پاک کردند

- افراد چگونه عوامل انحلال تشکیلاتی می شوند

- گزارش سخنرانی دیوید ادواردز دبیرکل سازمان آموزش بین الملل

(Education International – EI) در کنفرانس منطقه ای آسیا و اقیانوسیه سازمان آموزش بین الملل (EIAP)

- اعتصاب سراسری بیش از 300 هزار کارگر بخش عمومی افزایش دستمزدها و جبران کاهش قدرت خرید ؛ اعلام اعتصاب مجدد برای 21 اکتبر

- دومین روز اعتصاب کارگران کارخانه های فولادسازی ایلوا ایتالیا؛ در اعتراض به توقف تولید و تعطیلی و تهدید امنیت شغلی، مطالبه تضمین اشتغال و طرح صنعتی روشن

- گسترش اعتراض دانشجویان و دانش آموزان آلبانی؛ مخالفت با هزینه های بالای آموزش، بیکاری جوانان و فساد دولتی، پیوستن زنان به فراخوان تحریم کار؛ یورش پلیس به تجمع کنندگان با گاز اشک آور و ماشین های آبپاش

*از سرگیری اعتراض جمعی از جوانان متقاضی کار شهر حر با برپایی تجمع مقابل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی خوزستان در اهواز

روز چهارشنبه 22 مهر، جمعی از جوانان متقاضی کار شهر حر با برپایی تجمع مقابل شرکت توسعه نیشکر و صنایع جانبی خوزستان در اهواز اعتراضشان را به بیکاری از سر گرفتند و خواستار اشتغال در هفت تپه شدند.



یادآوری:

/هفتمین روز اعتراضات جمعی از جوانان متقاضی کار شهر حر با برپایی تجمع دوباره مقابل مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه

فیلم منتشره در شبکه های اجتماعی بتاريخ 30 شهریور، از هفتمین روز اعتراضات جمعی از جوانان متقاضی کار شهر حر با برپایی تجمع دوباره مقابل مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، خبر می دهد.

/ادامه اعتراضات جمعی از جوانان متقاضی کار شهر حر با برپایی تجمع مقابل کارخانه کاغذ پارس

روز پنج شنبه 26 شهریور، جمعی از جوانان متقاضی کار شهر حر، شهرستان شوش، در ادامه اعتراضاتشان + دست به تجمع مقابل کارخانه کاغذ پارس واقع در هفت تپه، جنب مجتمع کشت و نیشکر هفت تپه، زدند و خواستار بکارگیری و اشتغال در واحدهای صنعتی و تولیدی در منطقه شدند.



تجمع کنندگان با اشاره به فاصله حدود پنج کیلومتری شهر حر با کارخانه کاغذ پارس، بر ضرورت توجه به ظرفیت نیروی انسانی منطقه، به ویژه جوانان تحصیل کرده و دارای شرایط لازم برای اشتغال تأکید کردند.

آنها به خبرنگاریک رسانه گفتند: نزدیکی محل سکونتشان به شرکت گروه صنایع کاغذ پارس، زمینه مناسبی برای استفاده از نیروی بومی فراهم کرده است؛ با این حال، بخشی از جوانان شهر همچنان با مشکل بیکاری و محدودیت فرصت‌های شغلی مواجه هستند.

یکی از این جوانان گفت: از دیگر مطالبات مطرح‌شده ما، بررسی ظرفیت اشتغال جوانان شهر خُر و ایجاد سازوکاری مشخص برای معرفی و به‌کارگیری نیروهای بومی واجد شرایط در فرصت‌های شغلی موجود و آینده شرکت بود.

جوانان حاضر در این تجمع همچنین بر آثار اشتغال بومی بر معیشت خانوارها و کاهش دغدغه بیکاری تأکید کردند و از مدیرعامل شرکت گروه صنایع کاغذ پارس خواستند موضوع اشتغال جوانان شهر خُر را مورد بررسی قرار دهد.

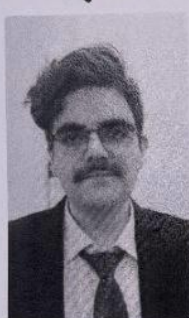
***یادبود محمدمهدی سالاری در جشن فارغ‌التحصیلی دانشگاه فردوسی مشهد**



بنا بر گزارش‌های رسیده به دانشجویان متحد، دانشجویان مهندسی برق ورودی ۱۴۰۱ دانشگاه فردوسی مشهد، در جشن فارغ‌التحصیلی خود یاد جاویدنام محمدمهدی سالاری، از دانشجویان این دانشگاه و کشته‌شدگان اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴، را گرامی داشتند.

***از دانشجویان اخراجی بگو!**

علیرضا جعفرزاده
علی آهنگر بهانی
رضا نیاپرست



از اخراجی‌ها بگو

نصب پوستر #از_اخراجی_ها_بگو در دانشگاه بهشتی در اعتراض به اخراج «علیرضا جعفرزاده»، «رضا نیایرست» و «علی آهنگر بهانی»، سه دانشجوی مقطع ارشد دانشگاه بهشتی که به اتهام شرکت در اعتراضات دانشگاه با حکم انضباطی به اخراج از دانشگاه محکوم شدند.

#ارسالی_دانشجویان

صنف مستقل دانشجویان بهشتی

***بیانیه کانون فرهنگیان اسلامشهر خطاب به آقایان مسعود فرهیخته و زرتشت احمدی_راغب برای پایان دادن به اعتصاب غذا**

دوازده روز از اعتصاب غذای آقای مسعود فرهیخته و آقای زرتشت احمدی راغب در زندان مرکزی کرج می‌گذرد؛ اعتصابی در اعتراض به اعدام‌های بی‌حساب و سرکوب‌های بی‌ضابطه.

کانون فرهنگیان اسلامشهر از روز نخست، گزارش این اعتصاب را منتشر کرد و نسبت به پیامدهای آن هشدار داد. مسئولان زندان کرج حکم حبس انفرادی را به‌عنوان مجازات و تنبیه برای آنچه «سر به زیر شدن» خوانده‌اند صادر کرده‌اند؛ سر به زیری از جنس لال شدن، کور شدن و کر شدن. نه حکم سه سال و شش ماه، نه انفرادی تنبیهی و نه حتی صدور حکم جدید یک‌ساله در حین تحمل حبس، هیچ یک کارگر نیفتاد.

مسعود فرهیخته، عضو کانون فرهنگیان اسلامشهر، تصمیم به اعتصاب غذا گرفت. در میانه این راه، بسیاری از دوستان و آزادی‌خواهان حق‌طلب نسبت به تبعات جسمی و روحی این اقدام اعتراضی واکنش نشان دادند و مکرراً خواستار لغو آن شدند. بیرون از زندان نیز برخی با لطایف‌الحیل، مستقیم یا غیرمستقیم، به تشکیک و تخریب پرداختند تا هم‌سو با حاکمیت، اصل ماجرای انفرادی و اعتصاب غذا را زیر سؤال ببرند و به خیال خود مسعود فرهیخته را رسوا کنند. ناممکن بود وگرنه اصل زندانی بودن او را نیز انکار می‌کردند.

کسانی که مسعود فرهیخته را دیده و شناخته‌اند، او را معلمی و کنشگری مهربان، خشونت‌پرهیز و اهل رواداری معرفی می‌کنند. او همواره اهل سازگاری، اتحاد و همگرایی با همه کسانی بوده است که دغدغه قانون و آزادی دارند. بی‌تردید اگر خبر این بی‌اخلاقی‌ها را بشنود، درود بر توطئه‌گران و تخریب‌کنندگان خواهد فرستاد و دست بر لب نهاده، بوسه‌ای نثارشان خواهد کرد.

در این چند روز، همکاران این معلم زندانی و برخی فعالان مدنی و سیاسی مکرراً از راه‌های مختلف کوشیدند پیام خود را مبنی بر درخواست لغو اعتصاب غذا به ایشان برسانند.

اینک در دوازدهمین روز اعتصاب غذا، در قالب این نامه از ایشان و جناب آقای زرتشت احمدی راغب مصرانه می‌خواهیم دست از اعتصاب غذا بکشند و بیش از این سلامت جسم و روح خود را در معرض خطر قرار ندهند. همت بلند و عزم استوار شما بر اهل انصاف و معرفت آشکار است و ادامه این کنش اعتراضی را به مصلحت نمی‌دانیم. پیام اعتراض شما به‌قدر کفایت رسا بود.

نور خورشید در جهان فاش است

آفت از ضعف چشم خفاش است.

کانون فرهنگیان اسلامشهر ضمن محکوم کردن هر نوع رفتار غیرقانونی مسئولان زندان، از کلیه دست‌اندرکاران قوه قضائیه می‌خواهد در برخوردهای سلیقه‌ای و ناعادلانه تجدیدنظر کنند و بیش از این تیشه به ریشه اعتماد ملی نزنند.

***علی‌سینا مصطفوی را در کرمان اعدام کردند**

روز چهارشنبه 22 مهر، میزان خبرگزاری وابسته به قوه قضائیه از اجرای حکم اعدام علی‌سینا مصطفوی، موسیقین و کوهنورد در کرمان خبرداد.

***صدور دوباره حکم اعدام برای وریشه مرادی در شعبه 15 دادگاه انقلاب تهران**

وکلاي وریشه مرادی از صدور دوباره حکم اعدام برای موکلشان از طرف شعبه 15 دادگاه انقلاب تهران به اتهام «عضویت در گروه باغی» خبردادند.

***فیش‌های حقوقی را پاک کردند**

پس از انتشار گزارش اختصاصی شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان ایران پیرامون فیش‌های نجومی معاونت‌های مدارس استثنایی و بازنشر این گزارش در رسانه‌های داخلی و خارجی، وزیر آموزش و پرورش دستور به حذف فیش‌ها از سایت سازمان آموزش و پرورش استثنایی داد.

این در حالی است که این فقط نوک کوه یخ عظیم فساد در مجموعه آپ می‌باشد و صدها برابر بیشتر از این حقوق‌ها، دریافتی مدیران صندوق ذخیره فرهنگیان است.

در حالیکه یک نومعلم با حقوق ۱۸ میلیون تومان وارد آموزش و پرورش می‌شود و میانگین حقوق معلمان شاغل و بازنشسته حداکثر ۲۵ میلیون تومان است، مدیران و نیروهای رده برتر ستادی، بودجه‌های آموزش و پرورش را هزینه رفاه خود و خانواده‌شان می‌کنند.

***افراد چگونه عوامل انحلال تشکیلاتی می‌شوند**

محمود ملاکی - کانون صنفی فرهنگیان استان بوشهر

تبدیل شدن یک فرد به مهره انحلال در یک تشکیلات، یک‌شبه اتفاق نمی‌افتد. این فرآیند بسته به خاستگاه و انگیزه فرد، معمولاً از سه مسیر اصلی عبور می‌کند:

1. مأموران سازمانی

این دسته، کارمندان یا ضابطان رسمی و آموزش‌دیده نهادهای امنیتی هستند که از همان ابتدا با هویت ساختگی، جعل سابقه و پوشش سیاسی یا تشکیلاتی وارد یک تشکل می‌شوند. مأموریت آن‌ها از روز اول مشخص است؛ تشکیل پرونده، شناسایی مهره‌های کلیدی و رصد پیوسته مناسبات درون‌تشکیلاتی. آن‌ها به دلیل آموزش‌های سازمانی، خونسردتر و در اجرای سناریوها دقیق‌تر عمل می‌کنند.

2. صید از طریق نقطه ضعف: توابان در نقش عوامل انحلال تشکیلاتی

بسیاری از این عوامل، فعالان سابق یا اعضای عادی تشکل بوده‌اند که در یک بزنگاه (مانند بازداشت، احضار، تهدید به اخراج یا قطع حقوق) در اتاق‌های بازجویی زیر شکنجه، فشار جسمی و روانی فروپاشیده‌اند. نیروهای امنیتی با شناسایی «نقطه ضعف» فرد—که می‌تواند عدم تحمل انفرادی، ترس از زندان، حفظ معیشت خانواده، مسائل مالی یا اخلاقی باشد—او را تحت فشار می‌گذارند. فرد برای رهایی از بحران، تن به همکاری داده و به یک «کارگزار انحلال تحت امر» تبدیل می‌شود. به عنوان مثال فردی که سوءمصرف مواد دارد و به نوعی بیمار است، این‌بار قربانی نقطه ضعفش می‌گردد و به مهره انحلال تبدیل می‌شود.

3. سواری گرفتن از جاه‌طلبی و حسادت: همسویی منفعت‌طلبانه

این خطرناک‌ترین و پیچیده‌ترین تجلی فرایند مصادره به مطلوب (Co-optation) در تخریب سازمان‌یافته از درون است. برخی افراد شیفته قدرت، تشنه دیده‌شدن یا سرشار از کینه و حسادت نسبت به فعالان اصلی تشکل هستند. وقتی آن‌ها در مناسبات دموکراتیک گروه نمی‌توانند به جایگاه دلخواه خود برسند، کانال‌های امنیتی صندلی قدرت را به آن‌ها تعارف می‌برند. نیروهای امنیتی با خرید خدمات این افراد و تضمین ارتقای جایگاه آن‌ها، از عقده‌های روانی‌شان برای درهم‌شکستن تشکل اصیل استفاده می‌کنند.

عوامل انحلال تشکیلاتی چگونه عمل می‌کنند؟

مکانیسم عمل عوامل انحلال در یک تشکل، برخلاف سرکوب عریان، بر «تخریب از درون» و «مهندسی رفتار جمعی» استوار است. آن‌ها مأموریت خود را از طریق تکنیک‌های پیچیده زیر پیش می‌برند:

کسب مشروعیت با رادیکالیسم تصنعی: عوامل انحلال در ابتدای ورود یا برای دفع شبهات، اغلب تندترین مواضع را اتخاذ می‌کنند. آن‌ها با زدن نقاب «شجاعت مفرط»، اعتماد بدنه را جلب کرده و خود را به هسته سخت و تصمیم‌گیر تشکل نزدیک می‌کنند تا از این طریق به اطلاعات کلیدی دست یابند.

خط دهی غیرمستقیم به واسطه افراد ناآگاه: آن‌ها مستقیماً منویات هادی امنیتی خود را در جلسات مطرح نمی‌کنند؛ بلکه فعالان زودباور، کینه‌توز یا جاه‌طلب تشکل را شناسایی کرده و ایده خود را به عنوان یک «تحلیل عالی» در ذهن آن‌ها می‌کارند. در این حالت، فرد ناآگاه بدون آنکه بدنه را بشناسد، به پیاده‌نظام و بلندگوی کارگزار انحلال تبدیل می‌شود.

ترور شخصیت فعالان اثرگذار: یکی از اصلی‌ترین وظایف عوامل انحلال، بی‌اعتبار کردن چهره‌های کاریزماتیک و باسابقه تشکل است. آن‌ها با پخش شایعات آمیخته به دروغ و راست، ایجاد شبهه در سلامت مالی یا اخلاقی فعالان، و برجسب‌زنی‌های مبهم (مانند وابستگی به جناح‌های قدرت یا اپوزیسیون)، سرمایه نمادین تشکل را نابود می‌کنند.

تقلیل تضادهای ساختاری به اختلافات شخصی: آن‌ها بحث‌های کلان راهبردی تشکل (مثلاً چگونگی پیشبرد یک اعتراض یا اعتصاب) را به سطح مناقشات شخصی، لحن افراد، رقابت‌های فردی و

حسادت‌های درون‌تشکیلاتی تقلیل می‌دهند. با این کار، انرژی گروه صرف فرسایش درونی در جنگ‌های حاشیه‌ای می‌شود.

بحران‌سازی و انشعاب در بزنگاه‌های تاریخی: درست در زمانی که تشکل به بالاترین سطح از همبستگی برای یک اقدام عملی مانند مجمع عمومی، اعتصاب، تجمع و ... نیاز دارد، عوامل انحلال با طرح ناگهانی مسائل انحرافی، ایجاد شک در ضرورت کار، یا راه‌اندازی شتابزده یک تشکل موازی، بدنه را دچار تشتت، دوگانگی و در نهایت «فلج عملیاتی» می‌کنند.

مهندسی خصلت‌های فردی؛ مهندسی پنهان رفتار جمعی

عوامل انحلال تشکیلاتی اگر به هر دلیلی نتوانند یا نخواهند مستقیماً این نقش‌های مخرب را ایفا کنند، استراتژی خود را تغییر داده و بر روی «خصلت‌های فردی آسیب‌پذیر دیگران» سوار می‌شوند؛ خصلت‌هایی چون حس دیده شدن مفرط، شهوت ریاست، تفوق‌طلبی، برتری‌جویی و نگاه‌های مکانیکی مبتنی بر سابقه‌سالاری.

آن‌ها افرادی را که در رأس تشکیلات هستند یا کشش و ولع شدیدی برای قرار گرفتن در کانون قدرت دارند، هدف می‌گیرند. این عوامل با شناسایی نقاط ضعف روانی این افراد، سناریویی را طراحی می‌کنند که در آن، کل موجودیت تشکیلات به اسم «نقد فردی یا بخشی» زیر ضرب برود. در این فاز، تخریب سازمان‌یافته از درون وارد مرحله مهندسی پنهان رفتار جمعی شده و افراد جاه‌طلب، مدعی و حتی دارای سرمایه اجتماعی را به کارگزاری خود درمی‌آورد.

در این میان، افرادی که با تملق و ستایش‌های دروغین به وجد می‌آیند، بهترین گزینه برای صید هستند. حس رقابت فردی و کیفی در درون این افراد، به مرور زمان تبدیل به نوعی رفتار انتحاری ضدتشکیلاتی می‌شود. این مهره‌های تحت هدایت (بازی‌خوردگان)، در حالی که کورکورانه مسیر فروپاشی تشکل را هموار می‌کنند، خود از نقش واقعی‌شان بی‌خبرند؛ آن‌ها مدام تکرار می‌کنند که هدفشان از این همه‌ها صرفاً «نقد عملکرد یک شخص یا یک جریان خاص» است، اما با کالبدشکافی دقیق رفتارشان مشخص می‌شود که هدف نهایی، نشانه‌رفتن اصل تشکیلات و فلج کردن کار جمعی است.

مرز میان تخریب سازمان‌یافته از درون، بازی‌خوردگی و نقد دموکراتیک

حال سؤال اساسی و بنیادین اینجاست: آیا هر کس که نمودی از این رفتارهای تفرقه‌افکنانه، شخصی‌سازی‌ها یا نقدهای رادیکال را از خود بروز داد، الزماً یک کارگزار انحلال یا فردی تحت نفوذ است؟ پاسخ قطعاً «خیر» است. تفکیک دقیق این مرزها، حیاتی‌ترین بخش صیانت از یک تشکل است، چرا که متمایز نکردن منتقد از مخرب، خود به بازتولید پروژه انحلال کمک می‌کند. این مرزبندی بر سه اصل استوار است:

1. تفاوت تخریب سازمان‌یافته با گسست‌های روان‌شناختی:

ساختارهای جمعی همواره با انواعی از خرده‌فرهنگ‌ها، تفاوت‌های شخصیتی و آسیب‌های روانی (مانند خودشیفتگی، ناپختگی تشکیلاتی یا خشم کنترل‌نشده) مواجه هستند. یک عضو تشکل ممکن است به دلیل فقدان آموزش تشکیلاتی یا تجربه‌های ناموفق شخصی، رفتاری تند یا حاشیه‌ای داشته

باشد. این رفتار ناشی از اتصال به «هادی اطلاعاتی» نیست، بلکه برآمده از «کژتابی‌های رفتاری» است. این کژتابی‌ها تا جایی قابل تحمل است که مانع کار جمعی (Cooperation) نشود و تشکل را به سمت فروپاشی هدایت نکند؛ در غیر این صورت، تشکل باید بدون برچسب‌زنی امنیتی و صرفاً به دلیل صیانت از کار جمعی، فرد را از فرایندهای تصمیم‌گیری کنار بگذارد.

2. اصالت نقد درون‌گروهی در برابر مکانیسم کوآپتاسیون: (Co-optation)

در یک تشکل پویا و دموکراتیک، نقد—حتی با لحنی گزنده—حق مسلم اعضاست. تفاوت نقد اصیل با سناریوی تخریب درونی در خروجی عملکرد فرد نهفته است:

منتقد درون‌گروهی: در نهایت به دنبال «اصلاح، ترمیم و تقویت تشکیلات» است. او مسئولیت‌پذیر است، در روزهای بحران آستین بالا می‌زند و برای ارتقای تفکر جمعی تلاش می‌کند. او آماده‌ی پذیرش مسئولیت است، در حالی که افراد تحت تأثیر مهندسی سایه فقط نق می‌زنند.

مهره تخریب یا بازی‌خورده: (Co-opted) خواهان «انحلال، بدنامی و زمین‌گیر شدن» کار جمعی است. تحت تأثیر مهندسی سایه، این افراد هیچ گزینه‌ی ایجابی برای بهبود ارائه نمی‌دهند؛ کار آن‌ها صرفاً تولید شبهه، نق زدن مدام، و ترور انگیزه دیگران است. برچسب‌زنی زودهنگام به هر منتقدی، خود بزرگترین خدمت به دستگاه سرکوب است، زیرا فضا را برای پویایی تشکل مسدود می‌کند.

3. تفاوت در تداوم و جغرافیا:

رفتار فرد منتقد یا ناپخته معمولاً واکنشی، مقطعی و بر اساس روندهای عینی تشکل است؛ اما سناریوی تخریب سازمان‌یافته از درون دارای یک «پیوستگی سیستماتیک» است. این خط تخریبی دقیقاً در بزنگاه‌های حساس تاریخی (مانند فراخوان‌ها، اعتصابات یا مذاکرات کلیدی) فعال می‌شود تا با ایجاد انشعاب‌های ناگهانی، همبستگی گروه را متلاشی و تشکیلات را دچار فرسایش کند.

نتیجه‌گیری و راهکار: صیانت از همبستگی (Cooperation) در برابر رخنه

مقابله با فرآیند مصادره به مطلوب فعالان (Co-optation) و خنثی‌سازی مأموران انحلال، نیازمند دو ابزار کلیدی است:

1. شفافیت ساختاری و مالی: مسدود کردن کانال‌های فردی پنهان و منوط کردن هرگونه تصمیم‌گیری کلان به خرد جمعی و ساختارهای رسمی تشکل.

2. پرورش فرهنگ نقد دموکراتیک: ایجاد بسترهای رسمی برای تخلیه مخالفت‌ها تا راه بر شایعه‌پراکنی و ترور شخصیت در سایه بسته شود. پادزر نهایی در برابر مکانیسم‌های درونی سرکوب، چیزی جز تقویت آگاهانه شبکه همکاری تشکیلاتی و به رسمیت شناختن مرز دقیق میان «نقد مسئولانه» و «تخریب فرساینده» نیست.

*گزارش سخنرانی دیوید ادواردز دبیرکل سازمان آموزش بین‌الملل

(Education International – EI) در کنفرانس منطقه‌ای آسیا و اقیانوسیه سازمان آموزش بین‌الملل (EIAP)

اولین سخنران بعد از بازگشایی رسمی دیوید ادواردز بود. سخنرانی دیوید ادواردز بر دفاع از آموزش عمومی، تقویت همبستگی میان اتحادیه‌های معلمان، حفظ جایگاه حرفه معلمی و مواجهه مسئولانه با گسترش هوش مصنوعی در نظام‌های آموزشی متمرکز بود. پیام محوری او این بود که آموزش پیش از آنکه یک فرایند فناورانه باشد، فعالیت انسانی و اجتماعی است و معلمان باید در مرکز هرگونه تحول آموزشی باقی بمانند.

۱. همبستگی بین‌المللی؛ پایه دفاع از حقوق معلمان

دیوید ادواردز بر اهمیت همبستگی میان معلمان و اتحادیه‌های آموزشی در کشورهای مختلف تأکید کرد. از نگاه او، مسائل مربوط به آموزش و شرایط کار معلمان را نمی‌توان صرفاً مشکلاتی محلی یا ملی دانست؛ زیرا تحولات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فناورانه بر نظام‌های آموزشی کشورهای مختلف تأثیر می‌گذارند.

همبستگی بین‌المللی به اتحادیه‌ها کمک می‌کند تا تجربه‌های خود را به اشتراک بگذارند، از یکدیگر حمایت کنند و در برابر سیاست‌هایی که استقلال حرفه‌ای معلمان یا کیفیت آموزش عمومی را تضعیف می‌کنند، موضع مشترک داشته باشند.

او همچنین بر ضرورت حمایت از همکاران در کشورهای تأکید کرد که معلمان در آن‌ها با شرایط دشوار، ناامنی، جنگ یا محدودیت‌های حرفه‌ای مواجه‌اند.

نکته کلیدی: قدرت اتحادیه‌های آموزشی تنها به تعداد اعضای آن‌ها وابسته نیست؛ بلکه به توانایی آن‌ها در همکاری، سازمان‌دهی و دفاع جمعی از حقوق معلمان نیز بستگی دارد.

۲. آموزش عمومی؛ حقی همگانی و مسئولیتی اجتماعی

یکی از محورهای مهم سخنرانی، ضرورت دفاع از آموزش عمومی و جلوگیری از تضعیف آن بود.

آموزش عمومی نقشی اساسی در ایجاد فرصت‌های برابر، کاهش نابرابری‌های اجتماعی و فراهم کردن امکان رشد و یادگیری برای همه دانش‌آموزان دارد. اگر کیفیت آموزش به میزان درآمد خانواده‌ها وابسته شود، فرصت‌های آموزشی نیز به‌طور فزاینده‌ای نابرابر خواهند شد.

در این چارچوب، دیوید به اهمیت سرمایه‌گذاری در معلمان، حمایت از مدارس و تقویت نظام‌های آموزشی عمومی اشاره کرد.

از این دیدگاه، آموزش باکیفیت نباید امتیازی ویژه برای گروهی محدود باشد؛ بلکه باید به‌عنوان حقی اساسی برای همه یادگیرندگان در نظر گرفته شود.

۳. معلم انسانی و رابطه معلم - دانش‌آموز

یکی از روشن‌ترین پیام‌های سخنرانی دیوید ادواردز، تأکید بر اهمیت روابط انسانی در آموزش بود.

آموزش تنها به معنای ارائه اطلاعات، حفظ کردن مطالب یا پاسخ دادن به پرسش‌های آزمون نیست. یادگیری مؤثر به تعامل انسانی، شناخت نیازهای دانش‌آموز، اعتماد متقابل، تشویق، گفت‌وگو و راهنمایی حرفه‌ای نیاز دارد.

معلم در کلاس درس فقط انتقال‌دهنده دانش نیست؛ بلکه می‌تواند به دانش‌آموز کمک کند تا توانایی تفکر انتقادی، استقلال فکری، مسئولیت‌پذیری و مهارت‌های اجتماعی خود را پرورش دهد.

به همین دلیل، رابطه میان معلم و دانش‌آموز باید حفظ و تقویت شود. فناوری ممکن است بخشی از فرایند یادگیری را تسهیل کند، اما نباید اهمیت این رابطه انسانی را نادیده بگیرد.

این دیدگاه در ادامه مباحث نشست نیز مطرح شد؛ به‌ویژه در ارتباط با «اجماع سانتیاگو» که بر اهمیت رابطه معلم و دانش‌آموز و ضرورت حفاظت از آن تأکید دارد.

۴. هوش مصنوعی؛ ابزار کمکی یا جایگزین معلم؟

دیوید نسبت به رویکردهایی که هوش مصنوعی را راحلی برای کاهش نیاز به معلمان معرفی می‌کنند، هشدار داد.

گسترش فناوری‌های آموزشی می‌تواند فرصت‌هایی برای دسترسی به منابع یادگیری، شخصی‌سازی آموزش و پشتیبانی از فعالیت‌های معلمان فراهم کند. با این حال، مسئله اصلی این است که این فناوری‌ها با چه هدفی و تحت چه شرایطی به کار گرفته می‌شوند.

اگر هوش مصنوعی برای پشتیبانی از معلم استفاده شود، می‌تواند بخشی از کارهای آموزشی را تسهیل کند. اما اگر هدف اصلی استفاده از آن کاهش حضور معلمان، پایین آوردن هزینه‌ها یا جایگزین کردن تعامل انسانی باشد، پیامدهای آن برای کیفیت آموزش و عدالت آموزشی باید به‌دقت بررسی شود.

دیوید همچنین بر این نکته تأکید داشت که نباید صرفاً به دلیل امکان اندازه‌گیری یا خودکارسازی یک فعالیت، آن را برای واگذاری به فناوری مناسب بدانیم. بسیاری از جنبه‌های مهم آموزش، مانند ایجاد اعتماد، درک شرایط عاطفی دانش‌آموز و پرورش قضاوت مستقل، به‌سادگی قابل اندازه‌گیری نیستند.

پیام اصلی این بخش: فناوری باید در خدمت معلمان و دانش‌آموزان باشد، نه اینکه جایگزین رابطه انسانی و مسئولیت حرفه‌ای معلم شود.

۵. نقد الگوهای آموزشی مبتنی بر فناوری و نابرابری

در ادامه بحث‌های نشست، نمونه‌هایی از مدارس خصوصی بسیار گران‌قیمت مطرح شد که از برنامه‌های فشرده مبتنی بر هوش مصنوعی و تمرین‌های عملکردی استفاده می‌کنند.

در این نمونه‌ها، دانش‌آموزان علاوه بر فعالیت‌های آموزشی مبتنی بر فناوری، در موقعیت‌هایی قرار می‌گیرند که عملکرد آن‌ها به‌طور فشرده سنجیده می‌شود؛ از جمله سخنرانی کردن، حضور در موقعیت‌های پرفشار و کسب دنبال‌کننده در شبکه‌های اجتماعی.

انتقاد مطرح شده این بود که چنین رویکردهایی ممکن است آموزش را به ابزاری برای خریدن مزیت رقابتی تبدیل کنند؛ به گونه‌ای که خانواده‌های ثروتمند بتوانند با پرداخت هزینه‌های بالا، فرصت‌ها و امکانات بیشتری برای فرزندان خود فراهم کنند.

این مسئله دو نگرانی مهم ایجاد می‌کند:

- نابرابری آموزشی: دسترسی به فرصت‌های آموزشی پیشرفته ممکن است بیش از پیش به توانایی مالی خانواده‌ها وابسته شود.

- تغییر هدف آموزش: تمرکز بر شاخص‌های قابل اندازه‌گیری و عملکردهای نمایشی ممکن است جای توجه به رشد همه‌جانبه، تفکر انتقادی و روابط انسانی را بگیرد.

اهمیت این مثال‌ها در آن است که می‌توانند تصویری از مسیرهای احتمالی آینده آموزش ارائه دهند و به اتحادیه‌ها و سیاست‌گذاران کمک کنند تا درباره پیامدهای اجتماعی و آموزشی این الگوها بحث کنند.

۶. توصیه‌های بین‌المللی و ضرورت اقدام دولت‌ها

یکی دیگر از محورهای مهم مطرح شده در این بخش از نشست، تبدیل توصیه‌های بین‌المللی به سیاست‌های عملی بود.

در سخنرانی‌های مرتبط با گزارش دیوید، به توصیه‌های هیئت عالی‌رتبه سازمان ملل متحد درباره معلمان اشاره شد. یکی از پیشنهادها مطرح شده، تشکیل کمیسیون‌های ملی برای بررسی سیاست‌های مربوط به معلمان بود؛ از جمله:

- استخدام و جذب معلمان؛

- حفظ و نگهداشت معلمان در حرفه؛

- بهبود شرایط کار و حمایت حرفه‌ای؛

- تقویت جایگاه اجتماعی و حرفه‌ای معلمی.

تأکید شد که انتشار یک سند بین‌المللی به‌تنهایی کافی نیست. اتحادیه‌ها باید با دولت‌ها، وزارتخانه‌های آموزش و دیگر نهادهای مسئول وارد گفت‌وگو شوند تا توصیه‌ها به تصمیم‌گیری و اقدام اجرایی منجر شوند.

همچنین به بازنگری اسناد بین‌المللی مرتبط با وضعیت معلمان و کارکنان آموزش عالی اشاره شد. در این زمینه، مشارکت اتحادیه‌ها و پیگیری روند بررسی و تصویب توصیه‌ها اهمیت دارد.

۷. اجماع سانتیاگو و حفاظت از ماهیت انسانی آموزش

در سخنرانی‌های این نشست، اجماع سانتیاگو به‌عنوان یکی از اسناد مهم مرتبط با آینده آموزش مطرح شد.

اهمیت این اجماع در تأکید بر رابطه معلم و دانش‌آموز و ضرورت تقویت این رابطه در شرایط گسترش فناوری است.

این موضوع با پیام اصلی دیوید ارتباط مستقیم دارد: آموزش باید بر نیازهای انسانی یادگیرندگان متمرکز بماند. تصمیم‌گیری درباره استفاده از فناوری نباید صرفاً بر اساس هزینه، سرعت یا قابلیت خودکارسازی انجام شود؛ بلکه باید کیفیت یادگیری، حقوق دانش‌آموزان، استقلال حرفه‌ای معلمان و عدالت آموزشی نیز در نظر گرفته شوند.

۸. ضرورت حمایت از معلمان و بهبود شرایط حرفه‌ای آنان

دیوید در پایان سخنرانی خود بر ضرورت ایجاد شرایطی تأکید کرد که همه دانش‌آموزان بتوانند از آموزش معلمان آموزش‌دیده، شایسته و برخوردار از حمایت کافی بهره‌مند شوند.

این هدف مستلزم آن است که نظام‌های آموزشی تنها بر جذب معلمان متمرکز نکنند، بلکه برای نگهداشت آن‌ها در حرفه نیز برنامه داشته باشند.

حمایت از معلمان می‌تواند شامل آموزش حرفه‌ای مستمر، شرایط کاری مناسب، فرصت مشارکت در تصمیم‌گیری‌های آموزشی و برخورداری از منابع لازم برای تدریس باکیفیت باشد.

معلمی که از آموزش و حمایت مناسب برخوردار است، ظرفیت بیشتری برای ایجاد محیط یادگیری امن، پاسخ‌گویی به نیازهای متفاوت دانش‌آموزان و تقویت روابط آموزشی مؤثر خواهد داشت.

***اعتصاب سراسری بیش از 300 هزار کارگر بخش عمومی افزایش دستمزدها و جبران کاهش قدرت خرید ؛ اعلام اعتصاب مجدد برای 21 اکتبر**

روز چهارشنبه 14 اکتبر، بیش از 300 هزار کارگر بخش عمومی ایرلند، از جمله معلمان، پرستاران، پزشکان و کارکنان ادارات دولتی، در یک اعتصاب سراسری 24 ساعته شرکت کردند. این اعتصاب که نخستین حرکت اعتراضی با چنین گستره‌ای از سال 2009 به شمار می‌رود، در پی ماه‌ها بن‌بست در مذاکرات اتحادیه‌ها با دولت بر سر توافق جدید دستمزد برگزار شد.



اتحادیه‌ها تأکید دارند که افزایش دستمزدها و جبران کاهش قدرت خرید کارگران باید محور اصلی مذاکرات باشد. توافق قبلی دستمزد بخش عمومی در پایان ژوئن به پایان رسید، اما دولت و اتحادیه‌ها درباره چارچوب توافق جدید به نتیجه نرسیدند. اتحادیه‌ها می‌گویند افزایش هزینه‌های زندگی و سوخت، فشار بیشتری بر معیشت کارگران وارد کرده و دستمزدها پاسخگوی مخارج روزمره نیست.

اعتصاب موجب تعطیلی بخش بزرگی از مدارس، کالج‌ها و دانشگاه‌ها و لغو هزاران نوبت درمانی در بیمارستان‌ها شد. فعالیت بسیاری از دادگاه‌ها، ادارات دولتی، کتابخانه‌ها و خدمات محلی نیز مختل شد. با این حال، بخش‌های اورژانسی بیمارستان‌ها و خدمات حیاتی درمانی به فعالیت ادامه دادند و حمل‌ونقل عمومی نیز طبق برنامه اعلام‌شده برقرار بود.

دولت ایرلند از اختصاص 1/2 میلیارد یورو در بودجه سال 2027 برای توافق جدید دستمزد بخش عمومی خبر داده و خواستار ازسرگیری مذاکرات شده است. اتحادیه‌ها، با این حال، معتقدند که پیشنهادی دولت برای جلوگیری از اعتصاب کافی نبوده است. پس از آغاز اعتصاب، مقام‌های دولتی از آمادگی برای گفت‌وگو درباره دستمزدها سخن گفتند، اما اختلاف‌ها همچنان پابرجاست.

اتحادیه‌ها اعلام کرده‌اند که در صورت پیشرفت نکردن مذاکرات، روز چهارشنبه 21 اکتبر اعتصاب دیگری برگزار خواهند کرد. آنان همچنین هشدار داده‌اند که ادامه بن‌بست می‌تواند به گسترش اقدامات اعتراضی در ماه‌های آینده منجر شود.

***دومین روز اعتصاب کارگران کارخانه‌های فولادسازی ایلوا ایتالیا؛ در اعتراض به توقف تولید و تعطیلی و تهدید امنیت شغلی، مطالبه تضمین اشتغال و طرح صنعتی روشن**

روز چهارشنبه 14 اکتبر برای دومین روز متوالی، اعتصاب کارگران کارخانه‌های فولادسازی ایلوا ایتالیا، در اعتراض به توقف تولید، خطر تعطیلی کارخانه‌ها و نبود تضمین برای آینده شغلی هزاران کارگر ادامه یافت. اتحادیه‌های فلزکاران ایتالیا، فیم (FIM)، فیوم (FIOM) و یوئی‌اِلم (UILM)، در پی آنچه پاسخ‌نگرفتن مطالبات خود از دولت خواندند، ۴۸ ساعت اعتصاب دیگر در تمام واحدهای سابق ایلوا اعلام کردند و خواستار برگزاری نشست فوری با دولت شدند.



اعتراض‌ها در تارانتو در جنوب ایتالیا و همچنین جنوا و نووی لیگوره در شمال کشور جریان دارد. کارگران با توقف فعالیت‌های تولیدی و اعلام برنامه تعطیلی واحدها مخالفت کرده‌اند. طبق گزارش‌های منتشرشده، بیش از 2 هزار کارگر در معرض خطر از دست دادن شغل خود قرار دارند. توقف تولید در بخش گرم کارخانه تارانتو نیز در پی حکم قضایی اجرا شده است؛ تأسیسات قرار است تا زمان رسیدگی دیوان عالی کشور به پرونده در 20 اکتبر، در وضعیت پیش‌گرم نگه داشته شوند، بی‌آنکه فولاد تولید کنند.

اتحادیه‌ها تأکید کرده‌اند که پرداخت کمک‌هزینه بیکاری موقت، جایگزین حفظ تولید و اشتغال نیست. آنان خواستار تأمین مواد اولیه برای از سرگیری فعالیت واحدهای تولیدی، تضمین ادامه کار بخش‌هایی که مشمول توقف قضایی نشده‌اند و تدوین یک برنامه صنعتی، زیست‌محیطی و اشتغال‌محور برای آینده کارخانه‌ها هستند. پیشنهاد اتحادیه‌ها همچنین شامل سرمایه‌گذاری در فناوری‌های کم‌آلاینده، استفاده از آهن احیای مستقیم و کوره‌های برقی و مشارکت مؤثر بخش عمومی در آینده این صنعت است.

دولت ایتالیا در 13 اکتبر بسته‌ای به ارزش مجموعاً 187 میلیون یورو برای حمایت از تأسیسات و کارگران و تسهیل سرمایه‌گذاری تصویب کرد. این بسته شامل ادامه حمایت‌های درآمدی، مشوق‌های استخدامی و اقداماتی برای جلوگیری از خاموشی دائمی تأسیسات اصلی است؛ اما اتحادیه‌ها این تدابیر را برای تضمین آینده شغلی و تولید پایدار کافی نمی‌دانند.

در جریان اعتراض‌های تارانتو، کارگران با مسدودکردن مسیرهای جاده‌ای، از جمله راه‌های ارتباطی مهم منطقه، رفت‌وآمد کامیون‌ها را مختل کردند و دسترسی به پالایشگاه شرکت انی (Eni) نیز با اختلال روبه‌رو شد. این وضعیت به کمبود سوخت در شماری از جایگاه‌ها و محدودیت در تأمین سوخت فرودگاه‌های باری و بریندیزی انجامید.

آینده کارخانه‌های سابق ایلوا همچنان به تصمیم‌های قضایی و چگونگی اجرای برنامه دولت گره خورده است. اتحادیه‌ها اعلام کرده‌اند تا زمانی که پاسخ روشنی درباره حفظ اشتغال و ادامه فعالیت صنعتی دریافت نکنند، امکان اعلام اعتصاب‌های بیشتر را بررسی خواهند کرد.

***گسترش اعتراض دانشجویان و دانش‌آموزان آلبانی؛ مخالفت با هزینه‌های بالای آموزش، بیکاری جوانان و فساد دولتی، پیوستن زنان به فراخوان تحریم کار؛ یورش پلیس به تجمع کنندگان با گازاشک‌آور و ماشین‌های آب‌پاش**

روز سه‌شنبه 13 اکتبر، اعتراض‌های دانشجویان در آلبانی با تجمع مقابل وزارت آموزش در تیرانا آغاز شد و روز چهارشنبه 14 اکتبر با گسترش تحریم کلاس‌های درس و پیوستن دانشجویان دانشگاه‌های مختلف و دانش‌آموزان دبیرستانی ادامه یافت. معترضان خواستار بهبود شرایط دانشگاه‌ها، کاهش فشار هزینه‌های آموزش عالی، افزایش حمایت مالی از دانشجویان و فراهم‌شدن فرصت‌های اشتغال پس از فارغ‌التحصیلی هستند.



دانشجویان همچنین ناراضی‌تری خود را از نابرابری اجتماعی و فساد دولتی ابراز کرده و خواستار تغییرات گسترده سیاسی شده‌اند. این اعتراض‌ها در ادامه جنبش اعتراضی چندماهه‌ای جریان دارد که

ابتدا در مخالفت با یک طرح گردشگری لوکس در منطقه ساحلی حفاظت‌شده زورنتس، مرتبط با جرد کوشنر، داماد دونالد ترامپ، شکل گرفت و سپس به اعتراض علیه فساد، نبود شفافیت و سیاست‌های دولت گسترش یافت.

روز چهارشنبه 14 اکتبر، اعتراض‌ها در تیرانا به درگیری پلیس با تجمع‌کنندگان کشیده شد. گروهی از معترضان به ساختمان وزارت آموزش و چند ساختمان دولتی و تجاری حمله کردند و در بخش‌هایی از شهر آتش‌سوزی رخ داد. پلیس برای متفرق کردن جمعیت از گاز اشک‌آور و ماشین‌های آب‌پاش استفاده کرد. بر اساس گزارش آسوشیتدپرس، مقام‌های آلبانیایی از بازداشت 35 نفر و زخمی‌شدن 23 مأمور پلیس و شش شهروند خبر دادند.

در همین حال، فراخوان‌هایی از سوی زنان و دختران آلبانیایی در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده که خواستار تحریم کار در روز پنجشنبه 15 اکتبر و پیوستن به اعتراض‌های دانشجویان شده‌اند. هدف اعلام‌شده این فراخوان، گسترش حمایت اجتماعی از مطالبات جوانان است؛ با این حال، هنوز نمی‌توان از تحقق یک اعتصاب سراسری زنان سخن گفت.

دولت آلبانی از آمادگی برای گفت‌وگو با دانشجویان سخن گفته و در مقابل، معترضان بر ضرورت تغییر شرایط آموزش، افزایش فرصت‌های شغلی و مقابله با فساد تأکید دارند.

گسترش اعتراض‌ها از دانشگاه‌ها و مدارس به فراخوان تحریم کار، نشان‌دهنده تلاش برای جلب حمایت گروه‌های اجتماعی دیگر است؛ هرچند دامنه واقعی مشارکت در این فراخوان و روند اعتراض‌ها در روزهای آینده هنوز روشن نیست.

akhbarkargari2468@gmail.com